

کاربرد استعاره دستوری گذرایی در مقایسه سبک دو رمان (تحلیل تطبیقی سبک مدیر مدرسه و اسرار گنج دره جنی)

حسین رضویان*

استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه سمنان

وجیهه احسانی

کارشناس ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه سمنان

چکیده

صاحب‌نظران روش‌های مختلفی را برای گروه‌بندی یا به‌تعبیری، تعیین سبک آثار مطرح کرده‌اند؛ بنابراین اختلاف‌نظرها و جدال‌های فراوان درباره تعیین سبک آثار امری گریزناپذیر می‌نماید. در این جستار، نویسندگان در پی تأیید یا رد روش‌های دیگر سبک‌شناسی نیستند؛ بلکه معیاری نو را به‌عنوان شاخص سبکی مطرح می‌کنند. در این مقاله، استعاره دستوری گذرایی به‌عنوان شاخصی برای تعیین سبک پیش‌نهاد شده است. به این منظور، داستان *مدیر مدرسه* از جلال آل‌احمد و *اسرار گنج دره جنی* از ابراهیم گلستان به‌عنوان نمونه انتخاب و به‌روش توصیفی-تحلیلی بررسی و مقایسه شده است. در این آثار، استعاره‌های دستوری گذرایی استخراج و به‌لحاظ میزان کاربرد مقایسه شده‌اند. طبق بررسی‌های انجام‌شده، در کتاب *اسرار گنج دره جنی* گلستان، تعداد استعاره دستوری در مقایسه با اثر آل‌احمد بسیار محدود است و بیشتر با استعاره دستوری گذرایی از نوع تبدیل ذهنی به وجودی و سپس تبدیل ذهنی به رابطه‌ای روبه‌رویم؛ اما در *مدیر مدرسه* جلال-برخلاف *اسرار گنج دره جنی* گلستان-

* نویسنده مسئول: razavin@semnan.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۹/۶

استعاره دستوری گذرایی بسیار چشم‌گیر است و بیشتر این استعاره‌ها از نوع تبدیل فرایند رابطه‌ای به مادی و بعد از آن کلامی به مادی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد می‌توان از استعاره دستوری گذرایی نیز به‌عنوان یک شاخص سبکی در مطالعات سبکی بهره برد؛ زیرا براساس بررسی این دو اثر، در میزان استعاره دستوری گذرایی به‌کاررفته و در نوع آن‌ها نیز تفاوت آشکاری وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: سبک‌شناسی، استعاره دستوری گذرایی، هلیدی، دستور نقش‌گرا.

۱. مقدمه

یکی از مسائل مهم در مطالعات ادبی بحث سبک و سبک‌شناسی است. در طول تاریخ، همیشه این دغدغه وجود داشته است که چگونه می‌توان آثار ادبی را در گروه‌های مختلف دسته‌بندی کرد. صاحب‌نظران روش‌های مختلفی را برای تعیین سبک آثار مطرح کرده‌اند. بدیهی است که در کنار این مسائل سبکی، همواره نوشته‌هایی نیز وجود داشته که از روش‌های سبک‌شناسی و شیوه‌های طبقه‌بندی آثار ادبی انتقاد کرده‌اند؛ برای نمونه رعدی آذرخشی با انتقاد از نوع طبقه‌بندی سبک‌های ادب فارسی، به عدم تطبیق عناوین سبک‌های شعر فارسی با موازین علمی اشاره می‌کند و حتی دلایلی را برمی‌شمارد که ثابت می‌کنند اصطلاحاتی همچون «سبک خراسانی» تا چه اندازه جعلی و ناموجه است (صفوی، ۱۳۷۷).

در زمینه سبک‌شناسی دیدگاه‌های متفاوتی مطرح شده (شیوه‌های مختلف برای تعیین سبک که برخی بسیار کلی و برخی دیگر تا حد زیادی جزئی و فردی هستند) که گاهی ممکن است یکی دیگری را نقض یا برعکس آن را تأیید کند. اما در این مقاله، نگارندگان هیچ قصد و اصراری بر تأیید یا رد روش‌های دیگر سبک‌شناسی ندارند؛ بلکه هدف پیش‌نهاد شاخصی دیگر برای تعیین سبک است؛ بنابراین، در این جستار استعاره دستوری گذرایی^۱ را به‌منظور استفاده از آن در سبک‌شناسی مطرح می‌کنند و امکان سبک‌شناسی آثار روایی را براساس کاربرد استعاره دستوری گذرایی می‌سنجند.

در ادامه، نگارندگان به مفاهیم نظری مهم مانند انواع فرانش‌ها^۲ و استعاره دستوری گذرای، پیشینه پژوهش، نمونه‌های آماری، داده‌ها و نتیجه می‌پردازند. داده‌های مقاله از داستان *مدیر مدرسه* نوشته جلال آل‌احمد و *اسرار گنج دره جنی* اثر ابراهیم گلستان انتخاب شده است تا با بررسی انواع و میزان استعاره‌های گذرای به‌کاررفته در آثار این دو نویسنده، به بررسی سبک آن‌ها پرداخته شود.

۲. چارچوب نظری

استعاره دستوری گذرای در حوزه زبان‌شناسی نقش‌گرا^۳ مطرح شده است. زبان‌شناسی نقش‌گرا یکی از مهم‌ترین نگرش‌های زبان‌شناسی نظری است که خود زیرمجموعه‌هایی دارد؛ از جمله دستور پیدایشی، دستور نقش و ارجاع، و دستور نقش‌گرای نظام‌مند^۴ (پهلوان‌نژاد و نجفی، ۱۳۸۸). دستور نقش‌گرای نظام‌مند را نخستین بار هلیدی^۵ (۱۹۷۸) مطرح کرد و دیگر طرف‌داران این نظریه، مارتین^۶ (۱۹۸۵)، اگینز^۷ (۱۹۹۴)، متیسن^۸ (۱۹۹۵)، تامسون^۹ (۱۹۹۶)، مارتین و رز^{۱۰} (۲۰۰۳) و غیره آن را بسط دادند. علاوه بر هلیدی، مارتینه^{۱۱} و فرث^{۱۲} نیز از پیش‌گامان زبان‌شناسی نقش‌گرا هستند (حوشناس، ۱۳۸۲: ۷۶).

هلیدی (۱۹۸۵) در کتاب *مقدمه‌ای بر دستور نقش‌گرا*، در فصلی جداگانه با عنوان «فراتر از بند: صورت‌های استعاری عبارات»، مفهوم استعاره دستوری^{۱۳} را بیان کرده است. در این فصل از کتاب، هلیدی اصطلاح استعاره دستوری را به‌عنوان مکمل استعاره واژگانی معرفی کرده است. از نظر وی (۱۹۹۴)، استعاره دستوری یک انتقال است که یک ابزار دستوری را با دیگری جای‌گزین می‌کند؛ ولی معنای مشابهی دارد. به عبارت دیگر، جای‌گزینی یک صورت دستوری با صورت دستوری دیگر، استعاره دستوری نامیده می‌شود (Halliday & Martin, 1993: 7). وی ابتدا انواع سنتی استعاره را تعریف کرده، سپس این تعریف‌ها را گسترش داده و جایگاهی برای تعریف جدیدتر یعنی استعاره دستوری باز کرده است. استعاره در معنای سنتی، تنوع در کاربرد لغات و گونه‌گونی در معناست. در این حالت، یک کلمه با معنای تحت‌اللفظی خاص می‌تواند کاربردهای استعاری یا معانی جای‌گزینی داشته باشد؛ برای مثال سه کلمه

«نرگس»، «پنجره» و «ستاره» هر سه استعاره از یک کلمه، یعنی «چشم» هستند. هالیدی درباره استعاره دستوری ادعا کرده است که اصطلاح تحت‌اللفظی دیگر مناسب نیست و استعاره دستوری را جای‌گزین یک مقوله دستوری با دیگری می‌داند.

استعاره دستوری و واژگانی از دو نظر با هم تفاوت دارند: از یک سو استعاره دستوری بیش از اینکه مبتنی بر اختلاف میان معانی متفاوت واژه‌های یکسان باشد، بر تفاوت بین انواع ساختار استوار است. بنابراین، استعاره دستوری منظم‌تر است؛ ولی از لحاظ خلاقیت نوآورانه در مقایسه با استعاره واژگانی محدودتر است. از سوی دیگر تنوع موجود در استعاره دستوری در مقایسه با تنوعی که مشخص‌کننده استعاره واژگانی است، کلی‌تر درک می‌شود. استعاره واژگانی بر مبنای کاربرد ثانوی (استعاری) واژه درک می‌شود؛ اما استعاره دستوری شامل انواع مختلف دگرگونی بین ساختارهاست که با تعداد زیادی پارامتر مختلف تعریف‌پذیر است که این پارامترها در مشخص‌سازی ساختارهای دستوری، با مقوله‌ها و عناصر دستوری به‌طور کل مرتبط‌اند؛ یعنی بر اساس انواع تنوع موجود، انواع مختلف استعاره دستوری تمایز داده می‌شود. استعاره دستوری محل تلاقی معانی مقوله‌ای است، نه فقط معانی کلمه (Halliday & Matthiessen, 1999: 11).

هلیدی از تمایز بین معنای اندیشگانی، معنای بینافردی و معنای متنی در بند، به تمایز بین سه استعاره دستوری اندیشگانی، بینافردی و متنی می‌رسد. لازم است قبل از معرفی انواع استعاره دستوری، مختصری درباره برخی مفاهیم نظری دستور نقش‌گرای نظام‌مند توضیح داده شود. به‌طور کلی، دستور نقش‌گرای نظام‌مند سه فرانش را بررسی می‌کند: فرانش اندیشگانی^۴، فرانش بینافردی^۵ و فرانش متنی^۶. کل الگوی دستور نقش‌گرای نظام‌مند بر اساس رابطه و تعامل بین این سه فرانش است. فرانش اندیشگانی وسیله‌ای برای بازسازی تجربه انسان و بازآفرینی واقعیت است. هلیدی این فرانش را به دو فرانش کوچک‌تر تقسیم کرده است: فرانش منطقی و فرانش تجربی. منظور از فرانش منطقی عناصر دستوری است که برای ساخت واحدهای دستوری به‌شکل ترکیبات به‌کار می‌روند و منظور از فرانش تجربی عناصر دستوری

است که در بازنمایی دائمی تجربه از طریق واحد بند^{۱۷} دخالت دارند (Taverniers, 2003: 61).

تجربه‌های روزانه بشر از طریق وقایع، تفکرات، تصورات و همچنین کارهای او شکل می‌گیرد و زبان نقش انعکاس این اعمال و رخدادها را برعهده دارد. به عبارتی ملموس‌تر، تفکرات و اعمال ما در زبان نمود پیدا می‌کند که از میان سه فرانش ذکر شده، هلیدی در دستور نقش‌گرای نظام‌مند خود، این نقش را برعهده فرانش اندیشگانی نهاده است. هریک از این سه فرانش، با یک نظام جداگانه در ارتباط است. فرانش اندیشگانی در نظام گذرای^{۱۸} محقق می‌شود، فرانش بینافردی در نظام وجه و جهت^{۱۹} و فرانش متنی نیز در نظام مبتدا و خبر^{۲۰} تحقق می‌یابد.

امکان و قابلیت دستوری برای بازنمایی تجربه در زبان، نظام گذرای نامیده می‌شود. منظور از گذرای مفهومی نیست که در دستورهای سنتی به کار رفته است. در دستورهای سنتی، به فعل‌های مفعول‌پذیر فعل گذرا گفته می‌شود. گذرای در چارچوب دستور نقش‌گرا استفاده شده است و به شیوه بازنمایی انواع فرایندها و معانی در جمله اطلاق می‌شود (Simpson, 2004: 11). بنابراین، نظام گذرای سازگار بیان فرانش اندیشگانی و تجربی در زبان است. نظام گذرای بیانگر رخداد، رابطه، حالت، اندیشه، احساس، رفتار و وجود پدیده‌های جهان است که هریک از این‌ها را فرایند^{۲۱} می‌خوانیم (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶ الف: ۷۱). فرایند خود شامل سه عنصر کلیدی است که نظام گذرای آن‌ها را از میان گزینه‌های موجود در نظام زبان انتخاب می‌کند: عناصر هر فرایند عبارت‌اند از: خود فرایند، مشارکان فرایند و موقعیت‌های (شرایط) مربوط به فرایند. فرایند عبارت است از: یک رخداد، کنش، احساس، گفتار یا بودونبود. پس از هر گزینشی از میان گزینه‌های نظام دستور زبان، دوباره با سیستمی روبه‌رو می‌شویم که باید از میان امکانات آن به گزینش دیگری دست بزنیم و همین‌طور این گزینش‌ها ادامه می‌یابد تا شاهد شکل‌گیری یک ساختار زبانی براساس معنای مورد نظر گوینده و نویسنده باشیم. بنابراین، در نظام زبان با شبکه درهم‌تنیده‌ای از معانی زبانی روبه‌رویم که از گزینش‌های تودرتو حاصل شده‌اند (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶ ب: ۱۵-۱۷).

استعاره دستوری اندیشگانی اغلب، صورت‌های اسمی را برای بیان فرایندها یا کیفیت‌هایی به کار می‌برد که باید توسط افعال و صفت‌ها بیان شوند. این نوع استعاره دستوری شامل استعاره گذرایی و اسم‌سازی است. اسم‌سازی رایج‌ترین استعاره دستوری است (7: Taverniers, 2003)؛ اما استعاره دستوری گذرایی در واقع نوعی حرکت یا کشش بین لایه‌هاست (منظور از لایه‌ها همان فرایندهاست). تجزیه و تحلیل متن از بُعد فرانش اندیشگانی شامل بررسی انتخاب‌ها در نظام دستوری گذرایی نیز می‌شود؛ یعنی انواع فرایند^{۲۲}، انواع شرکت‌کننده و انواع موقعیت با تجزیه و تحلیلی از منابع ترکیب می‌شوند که از طریق آن بندها آمیخته می‌شوند.

هلیدی (۱۹۹۴) تمام فعالیت‌ها را در قالب شش نوع فرایند - سه فرایند اصلی و سه فرایند فرعی - معرفی کرده است: فرایندهای اصلی شامل فرایندهای مادی^{۲۳}، ذهنی^{۲۴} و رابطه‌ای^{۲۵} است و فرایندهای فرعی شامل فرایندهای کلامی^{۲۶}، رفتاری^{۲۷} و وجودی^{۲۸} است.^{۲۹} در جدول زیر انواع فرایندها با مثال آمده است.

جدول ۱ انواع فرایندها

انواع فرایند	زیرمقوله	مثال
مادی	رخداد عمل	شکر حل نشد. او قهوه را مخلوط کرد.
ذهنی	ادراک تشخیص علاقه	او ماشین را دید. نام او را فراموش کرد. او موسیقی را دوست دارد.
رابطه‌ای	خصلت شناسایی	مگی قوی بود. مگی راهنمای ماست.
رفتاری کلامی وجودی		او خندید. او پاسخ داد. روزی روزگاری یک پرنسس زیبایی بود.

(منبع: Martine & Rose, 2007)

از آنجا که فرانش بینافردی در دو نظام وجه و وجهیت سازمان یافته است، دو نوع استعاره دستوری بینافردی وجود دارد: استعاره دستوری وجهی و استعاره دستوری وجهیت. استعاره وجهی همان تنوع حالت است که حالتی را به حالت دیگر تبدیل می‌کند و یک حالت می‌تواند دو یا چند نقش زبانی را بازتاب دهد؛ یعنی زمانی که منظور ما عبارتی پرسشی است، به جای استفاده از صورت متجانس که همان بند پرسشی است، از بند خبری استفاده کنیم (Halliday, 1994). استعاره دستوری متنی نیز شامل عباراتی است که آشکارا از سازمان‌دهی متن سخن می‌گویند؛ یعنی افعال عملگر^{۳۰}؛ مانند ترتیب دادن، بیان کردن، اشاره کردن، نشان دادن، نتیجه گرفتن، تعریف کردن و غیره یا عباراتی مانند اجازه دهید با این شروع کنم که...، برای مثال...، مثالی دیگر... و غیره (Halliday & Hasan, 1976).

در چارچوب نقش‌گرایی، تجارب و تفکرات در قالب افعال و فرایندها و از طریق فرانش تجربی امکان‌پذیر می‌شود. بنابر این مهم می‌توان با بررسی انواع فعل و تعیین فرایندها، و بسامد وقوع آن در متن، از دنیای درون شخصیت‌های داستانی و تجارب و تفکرات آن‌ها آگاه شد؛ پس این فرانش شاخصی مهم برای سبک در داستان‌های روایی به‌شمار می‌آید (آقاگل‌زاده و دیگران، ۱۳۹۰). انتخاب گزینه در نظام زبان مبتنی بر انگیزه‌های گوینده و نویسنده است و مجموعه این‌گزینه‌ها متونی را خواهند ساخت که به‌شکلی متفاوت، سازمان‌دهی و تفسیر می‌شوند (Simpson, 2004: 22). نکته کلیدی این است که نظام گذرای گزینش نظام‌مند را به‌دست می‌دهد؛ این گزینش براساس انگیزه‌های گوینده و نویسنده از میان امکانات نظام زبان صورت گرفته است. از این‌رو، الگو و نظام گذرای به‌عنوان ابزار روش‌شناختی مهم و درخور اعتنا، در بررسی متون و به‌طور خاص در سبک‌شناسی متون مطرح است (همان، ۲۴).

۳. پیشینه پژوهش

در زمینه دستور نقش‌گرا و استعاره دستوری، پژوهش‌های فراوانی در زبان فارسی و زبان‌های دیگر صورت گرفته است.

تاورنیرز^{۳۱} (۲۰۰۴) در مقدمه کتابش، مفهوم استعاره دستوری را در چارچوب زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند معرفی کرده است. او به شباهت‌های استعاره دستوری و استعاره واژگانی پرداخته و سپس آن‌ها را مقایسه کرده است. تاورنیرز استعاره دستوری را حاصل رابطه میان واقعیات مکملی همچون معناشناسی و واژگان-دستور، معنای تجربی و بینافردی و از این قبیل می‌داند. به عقیده او، استعاره دستوری پدیده زبانی متمایزی است که نشانه‌شناسی استعاری خاص خود را دارد. این کتاب شامل ده فصل است که تاورنیرز پس از معرفی و شرح زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند و انواع فرانش‌ها، استعاره دستوری را از دیدگاه هالیدی مطرح کرده و شرح داده است. نویسنده در ادامه، استعاره‌های دستوری اندیشگانی، تجربی و بینافردی را بررسی و توصیف کرده است.

بنکس^{۳۲} (۲۰۰۳) با بیان تعاریفی از استعاره دستوری و براساس طبقه‌بندی‌های آن و ذکر مثال‌هایی، استعاره دستوری را شرح داده است. او براساس گفته هلیدی این نکته را بیان کرده که تکامل استعاره دستوری از خیلی پیش شروع شده است و فقط هم محدود به زبان انگلیسی نیست. بنکس پیشرفت استعاره دستوری را در قالب فرایندهای اسم‌سازی در گفتمان علمی بررسی کرده است. به عقیده او، کاربرد استعاره دستوری اسم‌سازی در دو علم فیزیک و زیست‌شناسی متفاوت است و در دومی، در آغاز کندتر عمل کرده است. به‌طور کلی، نتایج این تحقیق بیانگر آن است که فرایندهای اسم‌سازی کاربرد فزاینده‌ای در گفتمان علمی طی ۲۵۰ سال اخیر داشته است. فیزیک خیلی سریع‌تر از زیست‌شناسی در این مورد پیشرفت کرده و تفاوت بین علوم فیزیک و زیست با آغاز قرن بیستم و تجربی شدن علوم زیست که قبلاً کاملاً توصیفی بودند، از بین رفته و طی قرن بیستم، کاربرد این نوع استعاره دستوری گسترش پیدا کرده است.

دیان^{۳۳} (۲۰۱۱) به بررسی افزایش مطالعات در زمینه کاربرد استعاره دستوری به‌عنوان مشخصه‌ای در متن‌های نوشتاری دانشگاهی پرداخته است. وی پیکره‌ای شامل نه مقاله تحقیقی از سه دانشجوی فارغ‌التحصیل اندونزیایی را مطالعه کرده است. با

در نظر گرفتن مفهوم استعاره دستوری هلیدی (۲۰۰۴)، نویسنده نتیجه گرفته است که همه انواع استعاره دستوری در این مقالات وجود دارند، غالب‌ترین نوع استعاره دستوری به‌کاررفته در این مقالات اسم‌سازی است و استعاره دستوری از طریق تراکم واژگانی، انتزاع، ارتباط منطقی غیر آشکار و ساختار غیرفردی در میان مشخصه‌های زبان نوشتار حضور دارد.

آقاگل‌زاده و دیگران (۱۳۹۰) در مقاله «سبک‌شناسی داستان براساس فعل: رویکرد نقش‌گرا» چهار داستان کوتاه از جلال آل‌احمد و صادق هدایت را بررسی کرده‌اند. داستان‌ها براساس نظام گذرایی در چارچوب دستور نقش‌گرای هلیدی تجزیه و تحلیل شده‌اند. ایشان بسامد و درصد وقوع انواع فرایندها را پس از بررسی تمام افعال موجود در داستان‌ها، به‌عنوان یک شاخص سبکی لحاظ کرده‌اند.

کارکرد استعاره دستوری در زبان علم عنوان پایان‌نامه چاووشی (۱۳۹۰) است که او نیز چگونگی کاربرد استعاره دستوری در متون علمی را پژوهیده است. در همین زمینه، مبارکی (۱۳۹۱) در پایان‌نامه خود با عنوان **استعاره دستوری در متون علمی و ادبی** به مقایسه میزان کاربرد استعاره دستوری در متون علمی و ادبی پرداخته و نتیجه گرفته که استعاره دستوری در متون علمی پرکاربردتر از متون ادبی است.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

به منظور بررسی انواع و بسامد استعاره‌های دستوری گذرایی در دو داستان **مدیر مدرسه** و **اسرار گنج دره جنی** از جلال آل‌احمد و ابراهیم گلستان، ابتدا تمام استعاره‌های دستوری گذرایی در این دو داستان براساس معیارهای مطرح در دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی استخراج، تعیین و دسته‌بندی شده است. در پایان، نتایج این بررسی‌ها به‌تفکیک نوع، درصد و بسامد وقوع هرکدام در جدول‌هایی جداگانه آمده است.

جدول ۲ بسامد و درصد کاربرد انواع فرایندها در داستان مدیر مدرسه

تعداد	فرایندهای فرعی	درصد	تعداد	فرایندهای اصلی
۲۹	رفتاری	۵۲/۸۹	۱۲۷۱	مادی
۸۹	وجودی	۱۹/۷۲	۴۷۴	رابطه‌ای
۲۶۵	کلامی	۱۱/۴۴	۲۷۵	ذهنی
	۲۴۰۳	تعداد کل		

در جدول شماره دو مشاهده می‌شود که فرایند مادی از بقیه فرایندها پیشی گرفته است؛ بعد از آن فرایند رابطه‌ای با اختلاف بسیار زیاد قرار دارد؛ فرایندهای ذهنی و کلامی هم تقریباً به یک اندازه به کار رفته‌اند؛ در پایان فرایند وجودی و بعد از آن فرایند رابطه‌ای مشاهده می‌شود که در مقایسه با فرایند مادی بسیار محدود است. فرایند مادی: در این مدت خودم برای خودم ورقه انجام کار می‌نوشتم.

فرایند رفتاری: هرهر می‌خندید.

فرایند رابطه‌ای: نه بابا کار ساده‌ای هم نیست.

فرایند وجودی: چای و بساطی در کار نبود.

فرایند ذهنی: اصلاً دوستی سرشون نمی‌شه.

فرایند کلامی: قرار شد سر صف نطقی بکنم.

جدول ۳ بسامد و درصد کاربرد انواع فرایندها در داستان اسرار گنج دره جنی

درصد	تعداد	فرایندهای فرعی	درصد	تعداد	فرایندهای اصلی
۱۱/۶۹	۲۸۱	رفتاری	۱۱/۹	۲۸۶	مادی
۲۰/۸	۵۰۰	وجودی	۲۷/۶۹	۶۷۲	رابطه‌ای
۱۲/۶۹	۳۰۵	کلامی	۱۴/۴۸	۳۴۸	ذهنی
	۲۴۰۳	تعداد کل			

جدول شماره سه نشان می‌دهد که در کاربرد انواع فرایندها در داستان *اسرار گنج دره جنی* تفاوت چشم‌گیری نیست و نویسنده در این داستان تقریباً همه فرایندها را به‌طور مساوی به‌کار گرفته است. اما در همین میان به‌ترتیب، فرایندهای رابطه‌ای و وجودی بیشترین کاربرد را دارند و بعد از آن فرایند ذهنی و کلامی و در آخر، فرایندهای رفتاری و مادی دارای کمترین کاربرد هستند.

فرایند مادی: وقتی مرد گاو را کشت... .

فرایند رفتاری: و بچه می‌گریست... .

فرایند رابطه‌ای: این بدگمانی که بیخود نیست.

فرایند وجودی: بیا بابا کجا بودی؟

فرایند ذهنی: جرئت نکرد بجنبد.

فرایند کلامی: قهوه‌چی پرسید... .

جدول ۴ تعداد تبدیل انواع فرایندها در داستان *مدیر مدرسه*

فرایندها	به مادی	به ذهنی	به رابطه‌ای	به رفتاری	به کلامی	به وجودی
مادی		۰	۱۱	۰	۰	۴
ذهنی	۲۱		۷	۰	۰	۰
رابطه‌ای	۷۸	۰		۰	۰	۰
رفتاری	۴	۰	۰		۰	۰
کلامی	۷۴	۰	۸	۰		۰
وجودی	۵	۰	۴	۰	۱	

در داستان *مدیر مدرسه* ۷۸ مورد استعاره دستوری گذرایی از نوع تبدیل فرایند رابطه‌ای به مادی و پس از آن ۷۴ مورد تبدیل فرایند کلامی به مادی را شاهدیم. بعد از آن، بیشترین بسامد را در تبدیل فرایند ذهنی به مادی داریم. از آنجا که ارائه تمام داده‌ها در مقاله امکان‌پذیر نیست، به ذکر نمونه‌هایی از استعاره‌های دستوری این اثر

بسند می‌شود. نمونه‌هایی از استعاره دستوری گذرای در کتاب **مدیر مدرسه** از نوع تبدیل به این شرح است:

فرایند کلامی به مادی: از پشت در کسی این آیه را صادر کرد.

فرایند رابطه‌ای به مادی: حقوقش به جایی نمی‌رسید.

فرایند ذهنی به مادی: از همه چیز برای خودم خیال بافتم.

فرایند مادی به رابطه‌ای: تمام مدرسه گل می‌شد. (گل‌ها باز می‌شدند).

فرایند کلامی به رابطه‌ای: قرار شد که پنج نفرشان فردا عصر بیایند.

فرایند ذهنی به رابطه‌ای: اما حاضر نبود حتی یکی را به خواهرش بدهد.

(نمی‌خواست).

فرایند وجودی به رابطه‌ای: معلم‌ها همه سر وقت حاضر بودند.

فرایند مادی به وجودی: سعی کردم زودتر از بچه‌ها مدرسه باشم. (به مدرسه

بیایم).

فرایند وجودی به مادی: مدرسه نوساز در دامنه کوه تنها افتاده بود.

فرایند وجودی به کلامی: تابلوی مدرسه از صد متری داد می‌زد.

فرایند رفتاری به مادی: در میان صف‌های عقب یکی از بچه‌ها پکی زد به خنده.

جدول ۵ تعداد تبدیل انواع فرایندها در داستان **اسرار گنج دره جنی**

فرایندها	به مادی	به ذهنی	به رابطه‌ای	به رفتاری	به کلامی	به وجودی
مادی		۰	۷	۰	۰	۰
ذهنی	۴		۳۲	۰	۰	۵۰
رابطه‌ای	۰	۰		۰	۰	۵
رفتاری	۸	۰	۰		۰	۱۲
کلامی	۱۳	۰	۰	۰		۰
وجودی	۰	۰	۱۰	۰	۰	

براساس جدول شماره پنج، تعداد استعاره دستوری در داستان **اسرار گنج دره جنی** کمتر از **مدیر مدرسه** است. به‌طور کلی، در این داستان تمایل به تبدیل دیگر فرایندها به

فرایند وجودی چشم‌گیر است، سپس تبدیل به فرایند رابطه‌ای و پس از آن تبدیل به فرایند مادی دیده می‌شود. در کتاب ابراهیم گلستان، پرکاربردترین استعاره دستوری گذرایی از نوع تبدیل فرایند ذهنی به وجودی و بعد آن تبدیل فرایند ذهنی به رابطه‌ای است.

چند نمونه از استعاره دستوری گذرایی در کتاب *اسرار گنج دره جنی* از نوع تبدیل عبارت‌اند از:

فرایند مادی به رابطه‌ای: پایه‌پای او رونده و رقصنده و بشکن‌زننده هم باشد. (همراه او راه می‌رفت و می‌رقصید و بشکن می‌زد.)

فرایند ذهنی به مادی: سرفرازی امروزش اندیشه تلافی تحقیر دیروز را شدیدتر می‌کرد. (او به تلافی تحقیر دیروز فکر می‌کرد.)

فرایند ذهنی به رابطه‌ای: انگار سخت در فکر است. (فکر می‌کند.)

فرایند ذهنی به وجودی: حس حضورش بود. (وجودش احساس می‌شد.)

فرایند رفتاری به مادی: خنده تو چشماش برق انداخت. (خندید.)

فرایند رفتاری به وجودی: آن‌قدر تاریک بود که در چشم هیچ نمی‌آمد. (چیزی دیده نمی‌شد.)

فرایند رابطه‌ای به وجودی: به هر حال فرقی میانشان نبود. (یکسان بودند.)

فرایند کلامی به مادی: رود افتاده بود در وصف عشق خود به میهنش. (از عشقش به میهنش می‌گفت.)

فرایند وجودی به رابطه‌ای: از پشت ابر قله پربرف پیدا بود. (قله پربرف پشت ابر بود.)

دو جدول چهار و پنج شامل انواع و بسامد تبدیل فرایندهاست و جدول‌های شش و هفت نیز انواع استعاره دستوری گذرایی و درصد آن‌ها را در دو داستان نمایش می‌دهد.

جدول ۶ درصد انواع استعاره دستوری گذرای در داستان مدیر مدرسه

درصد	استعاره دستوری گذرای	درصد	استعاره دستوری گذرای
۱/۷۹	تبدیل فرایند رفتاری به مادی	۰	تبدیل فرایند مادی به کلامی
۰	تبدیل فرایند رفتاری به ذهنی	۰	تبدیل فرایند مادی به ذهنی
۰	تبدیل فرایند رفتاری به رابطه‌ای	۴/۹۳	تبدیل فرایند مادی به رابطه‌ای
۰	تبدیل فرایند رفتاری به کلامی	۰	تبدیل فرایند مادی به رفتاری
۰	تبدیل فرایند رفتاری به وجودی	۱/۷۹	تبدیل فرایند مادی به وجودی
۳۳/۱۸	تبدیل فرایند کلامی به مادی	۹/۴۱	تبدیل فرایند ذهنی به مادی
۰	تبدیل فرایند کلامی به ذهنی	۳/۱۳	تبدیل فرایند ذهنی به رابطه‌ای
۳/۸۵	تبدیل فرایند کلامی به رابطه‌ای	۰	تبدیل فرایند ذهنی به رفتاری
۰	تبدیل فرایند کلامی به رفتاری	۰	تبدیل فرایند ذهنی به کلامی
۰	تبدیل فرایند کلامی به وجودی	۰	تبدیل فرایند ذهنی به وجودی
۲/۲۴	تبدیل فرایند وجودی به مادی	۳۴/۹۷	تبدیل فرایند رابطه‌ای به مادی
۰	تبدیل فرایند وجودی به ذهنی	۰	تبدیل فرایند رابطه‌ای به ذهنی
۱/۷۹	تبدیل فرایند وجودی به رابطه‌ای	۰	تبدیل فرایند رابطه‌ای به

			رفتاری
۰	تبدیل فرایند وجودی به رفتاری	۰	تبدیل فرایند رابطه‌ای به کلامی
۰/۴۴	تبدیل فرایند وجودی به کلامی	۰	تبدیل فرایند رابطه‌ای به وجودی

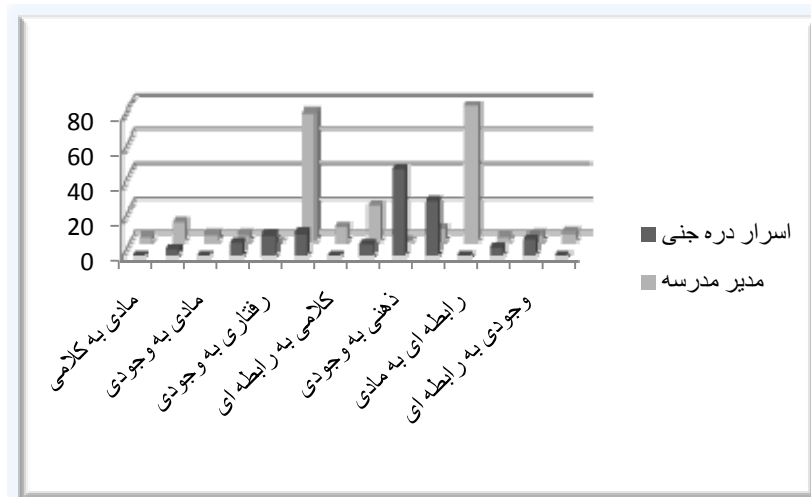
براساس جدول شماره شش بیشترین استعاره دستوری گذرایی در مدیر مدرسه از نوع تبدیل فرایند رابطه‌ای به مادی و کلامی به مادی است که به ترتیب، ۳۴/۹۷ درصد و ۳۳/۱۸ درصد کل استعاره‌های دستوری گذرایی را در این داستان داراست.

جدول ۷ درصد انواع استعاره دستوری گذرایی در داستان اسرار گنج دره جنی

درصد	استعاره دستوری گذرایی	درصد	استعاره دستوری گذرایی
۵/۶۷	تبدیل فرایند رفتاری به مادی	۰	تبدیل فرایند مادی به کلامی
۰	تبدیل فرایند رفتاری به ذهنی	۰	تبدیل فرایند مادی به ذهنی
۰	تبدیل فرایند رفتاری به رابطه‌ای	۴/۹۶	تبدیل فرایند مادی به رابطه‌ای
۰	تبدیل فرایند رفتاری به کلامی	۰	تبدیل فرایند مادی به رفتاری
۸/۵۱	تبدیل فرایند رفتاری به وجودی	۰	تبدیل فرایند مادی به وجودی
۹/۲۱	تبدیل فرایند کلامی به مادی	۲/۸۳	تبدیل فرایند ذهنی به مادی
۰	تبدیل فرایند کلامی به ذهنی	۲۲/۶۹	تبدیل فرایند ذهنی به رابطه‌ای
۰	تبدیل فرایند کلامی به رابطه‌ای	۰	تبدیل فرایند ذهنی به رفتاری
۰	تبدیل فرایند کلامی به	۰	تبدیل فرایند ذهنی به کلامی

	رفتاری		
۰	تبدیل فرایند کلامی به وجودی	۳۵/۴۶	تبدیل فرایند ذهنی به وجودی
۰	تبدیل فرایند وجودی به مادی	۰	تبدیل فرایند رابطه‌ای به مادی
۰	تبدیل فرایند وجودی به ذهنی	۰	تبدیل فرایند رابطه‌ای به ذهنی
۷/۰۹	تبدیل فرایند وجودی به رابطه‌ای	۰	تبدیل فرایند رابطه‌ای به رفتاری
۰	تبدیل فرایند وجودی به رفتاری	۰	تبدیل فرایند رابطه‌ای به کلامی
۰	تبدیل فرایند وجودی به کلامی	۱۰/۶۳	تبدیل فرایند رابطه‌ای به وجودی

براساس داده‌های جدول هفت، در داستان *اسرار گنج دره جنی* استعاره گذرایی از نوع تبدیل فرایند ذهنی به وجودی با ۳۵/۴۶ درصد و ذهنی به رابطه‌ای با ۲۲/۶۹ درصد از کل استعاره دستوری گذرایی موجود در متن، بیشترین درصد وقوع را داراست. به‌طور کلی، تعداد استعاره‌های دستوری گذرایی در داستان *مدیر مدرسه* بیشتر از داستان *اسرار گنج دره جنی* است. در داستان *مدیر مدرسه*، تمایل به فرایند مادی بیشتر است؛ اما در داستان *اسرار گنج دره جنی* گرایش به فرایند وجودی و بعد از آن تمایل به فرایند رابطه‌ای زیاد است.



مقایسه میزان کاربرد انواع استعاره دستوری گذرایی در دو داستان

در دو داستان، پرکاربردترین استعاره دستوری گذرایی از نوع تبدیل فرایند رابطه‌ای به مادی است؛ اما نتایج هریک از داستان‌ها متفاوت است.

در دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی، باکمک نظام گذرایی می‌توان این تفاوت و تضاد را تبیین کرد. همان‌طور که زبان محل بازنمایی افکار، اعمال و... گویشوران خود است، داستان نیز در قالب گزینش از میان عناصر نظام زبان می‌تواند نمود افکار، ادراک، احساسات و... نویسنده و شخصیت‌های خود باشد. در لایه‌ای از گزینش‌ها، نویسنده با انتخاب فعل روبه‌روست. نویسنده از میان افعال و فرایندهای موجود در زبان - گزینه‌های متنوع و انتخاب‌های بالقوه - یکی را برمی‌گزیند و گاهی به انتخاب خود، فرایندی را به فرایندی دیگر تبدیل می‌کند؛ به عبارت دیگر از استعاره دستوری گذرایی استفاده می‌کند. بنابراین، کاربرد انواع استعاره دستوری گذرایی تضاد نیست؛ بلکه براساس خواسته و معنای ذهنی نویسنده شکل می‌گیرد؛ پس تعداد و نوع استعاره دستوری به‌کاررفته در اثر ممکن است معنادار باشد. با توجه به مطالب پیش‌گفته می‌توان میزان و درصد وقوع استعاره دستوری گذرایی را به‌عنوان یک شاخص سبکی معرفی کرد. به این صورت که اگر سبک را حاصل انتخاب‌های مختلف

نویسنده بدانیم، آن‌گاه در لایه‌ای از زبان، انتخاب صورت‌های دستوری متفاوت، مختصات متفاوتی از نویسنده و متن ایجاد می‌کند.

نمودار پیشین تفاوت آثار دو نویسنده را ملموس‌تر می‌نماید؛ همچنین کاربرد متفاوت انواع استعاره‌های گذرایی را در دو داستان آشکارا به‌نمایش می‌گذارد. در این نمودار مشاهده می‌شود که استعاره گذرایی در داستان *مدیر مدرسه* بیشتر به‌چشم می‌خورد. از سوی دیگر، استعاره دستوری از نوع تبدیل فرایند رابطه‌ای به مادی و بعد از آن تبدیل فرایند کلامی به مادی بیشترین بسامد را دارد که این نوع استعاره در داستان *اسرار گنج دره جنی* در مقایسه با *مدیر مدرسه* بسیار اندک است. استعاره گذرایی بارز دیگر در *مدیر مدرسه*، تبدیل فرایند ذهنی به مادی است. همان‌طور که در نمودار پیداست، درصد وقوع این نوع استعاره‌های دستوری در *اسرار گنج دره جنی* بسیار کم است. انواع دیگر استعاره‌های گذرایی در *مدیر مدرسه* از نوع تبدیل فرایند مادی به رابطه‌ای و به میزان کمتر، کلامی به رابطه‌ای و ذهنی به رابطه‌ای است که درصد کمی دارد و درنهایت، تبدیل فرایند وجودی به مادی، وجودی به رابطه‌ای، مادی به کلامی و ذهنی به وجودی با درصد وقوع بسیار اندک مشاهده می‌شود. اما در داستان *اسرار گنج دره جنی*، بیشترین درصد وقوع مختص استعاره گذرایی از نوع تبدیل فرایند ذهنی به وجودی است و پس از آن تبدیل فرایند ذهنی به رابطه‌ای. همان‌طور که در نمودار مشخص است، میزان کاربرد این استعاره در *مدیر مدرسه* بسیار محدود است و بعد از آن، تبدیل فرایند رفتاری به وجودی، فرایند کلامی به مادی و تبدیل فرایند وجودی به رابطه‌ای به یک میزان و در رتبه دوم قرار دارد. تبدیل فرایندهای رفتاری به مادی، ذهنی به مادی، رابطه‌ای به وجودی، مادی به رابطه‌ای با درصد وقوع بسیار کم، کاربرد اندکی در کتاب ابراهیم گلستان دارد. تبدیل فرایند مادی به کلامی، وجودی به مادی، رابطه‌ای به مادی، مادی به وجودی و کلامی به رابطه‌ای در این داستان تقریباً صفر است.

۵. نتیجه

معرفی و کاربست شاخص‌های سبکی نو افق‌های تازه‌ای را در برابر دیدگان صاحب‌نظران در حوزه سبک‌شناسی می‌گشاید. این شاخص‌ها هم‌زمان تحلیل‌ها و تفسیرهای نو به‌همراه خواهد داشت. استعاره دستوری گذرای شاخص سبک‌شناسی جدیدی است که از طریق آن می‌توان تا حدودی به نظام معنایی ذهن نویسنده دست یافت. در این پژوهش دو داستان *مدیر مدرسه* و *اسرار گنج دره جنی* از آل‌احمد و دیگری از گلستان براساس نظام گذرای دستور نقش‌گرای هلیدی بررسی شده است. طبق نتایج به‌دست‌آمده، آل‌احمد استعاره‌های دستوری گذرای از نوع تبدیل فرایند رابطه‌ای به مادی و کلامی به مادی را به ترتیب ۳۴/۹۷ درصد و ۲۳/۹۷ درصد بیشتر از ابراهیم گلستان به‌کار برده است و استعاره دستوری گذرای از نوع تبدیل فرایند ذهنی به وجودی و ذهنی به رابطه‌ای نیز در داستان گلستان به ترتیب ۳۵/۴۶ درصد و ۱۹/۵۶ درصد بیشتر از اثر آل‌احمد دیده می‌شود. در کاربرد استعاره‌های دستوری گذرای دیگر، تفاوت چشم‌گیری در دو داستان وجود ندارد. همچنین در مجموع، بسامد استعاره دستوری گذرای در اثر جلال آل‌احمد بیشتر است. بنابراین، با تکیه بر نتایج آماری این پژوهش و براساس گفته یاکوبسن - که از استعاره به‌عنوان انتخاب در محور جانشینی یاد می‌کند - می‌توان گفت در زمینه مقوله‌های دستوری، در *مدیر مدرسه* در مقایسه با *اسرار گنج دره جنی*، بیشتر با انتخاب روبه‌رویم. با در نظر گرفتن فضای اجتماعی بسته و محدود در زمان خلق *مدیر مدرسه* در دهه سی خورشیدی می‌توان این امر را توجیه کرد. جلال آل‌احمد پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، دچار افسردگی زیادی شد و در این سال‌ها (۱۳۳۷) داستان *مدیر مدرسه* خود را تألیف کرد. در زمان نوشتن *مدیر مدرسه*، جلال مانند بسیاری از نویسندگان هم‌عصرش، تحت تأثیر شکست سیاسی خود و هم‌قطاران‌ش، برای مدتی به قول خودش، ناچار به سکوت می‌شود که البته سکوت وی به معنای نپرداختن به سیاست و گرایش به قلم زدن بیشتر است. وی به‌دور از تمام هیاهوهای سیاسی، به نوشتن ادامه می‌دهد. بسامد زیاد فرایند مادی در داستان آل‌احمد و همچنین کاربرد متفاوت استعاره دستوری گذرای که فرایندهای دیگر را به فرایند مادی تبدیل می‌کند، بیانگر دیدگاه واقع‌نمایی اوست؛ به این دلیل که

برای بیان واقعیت‌ها افعال و فرایندهای مادی که روی داده‌های عینی را بازنمایی می‌کنند، مناسب‌ترین ابزار هستند. به نظر می‌رسد دغدغه جلال بیشتر این بوده است که چگونه از واقعیت‌های آن روزگار بنویسد و این درحالی است که گلستان متأثر از فضای روشن‌فکری اوایل دهه پنجاه، در سال ۱۳۵۳ (تاریخ تألیف *اسرار گنج دره جنی*) از این فضا دور است. گلستان در داستان خود کمتر به واقع‌نمایی گرایش دارد؛ بنابراین بسامد فرایند مادی و همچنین استعاره‌های دستوری گذرایی که فرایندهای دیگر را به فرایند مادی تبدیل می‌کند، در داستان او به‌طور چشم‌گیری کمتر از داستان جلال است. بدون تردید، بررسی‌های بیشتر در دیگر آثار این دو نویسنده ممکن است به تأیید یا رد نتایج این پژوهش بینجامد؛ از این رو مطالعه بیشتر در این زمینه به پژوهشگران علاقه‌مند توصیه می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

1. transitive grammatical metaphor
2. metafunction
3. functional grammar
4. systemic functional grammar (sfg)
5. Halliday
6. Martin
7. Eggins
8. Matthiessen
9. Thompson
10. Martin & Rose
11. Martinet
12. Firth
13. grammatical metaphor
14. ideaitonal metafunction
15. interpersonal metafunction
16. textual metafunction
17. clause
18. transitivity
19. mode & modality
20. topic & predicate
21. process
22. process types
23. material processes
24. mental processes

25. relational processes
 26. verbal processes
 27. behavioral processes
 28. existential processes

۲۹. برای کسب جزئیات بیشتر درباره انواع فرایند و زیربخش‌های هر کدام بنگرید به:

Halliday & Matthiessen, 2004: 179- 290

30. Operator
 31. Taverniers
 32. Banks
 33. Dian

منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس و دیگران (۱۳۹۰). «سبک‌شناسی داستان براساس فعل: رویکرد نقش‌گرا». *فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)*. س ۴. ش ۱۱. صص ۲۴۳-۲۵۴.
- آل‌احمد، جلال (۱۳۸۹). *مدیر مدرسه*. ج ۱۲. تهران: فردوس.
- پهلوان‌نژاد، محمدرضا و آزاده نجفی (۱۳۸۸). «ارائه فرایندهای واژگانی به کودکان دبستانی و بررسی چگونگی تأثیر آن در درک مفاهیم آموزشی». *مجله تخصصی زبان و ادبیات دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*. ش ۴. صص ۵۳-۸۰.
- چاووشی، مهسا (۱۳۹۰). *کارکرد استعاره دستوری در زبان علم*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. دانشگاه علامه طباطبایی. تهران.
- حق‌شناس، علی‌محمد (۱۳۸۲). *زبان و ادب فارسی در گذرگاه سنت و مدرنیته (مجموعه مقالات)*. تهران: مؤسسه نشر آگه.
- صفوی، کورش (۱۳۷۷). «پیشنهادی در سبک‌شناسی ادب فارسی». *فصلنامه زبان و ادب*. ش ۶. صص ۴۳-۵۶.
- گلستان، ابراهیم (۱۳۵۷). *اسرار گنج دره جنی*. ج ۲. تهران: چاپ‌خانه صفا.
- مبارکی، ساجده (۱۳۹۱). *استعاره دستوری در متون علمی و ادبی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. دانشگاه سمنان.
- مهاجر، مهران و محمد نبوی (۱۳۷۶ الف). «از زبان تا شعر: درآمدی بر زبان‌شناسی سازگانی - نقش‌گرا و کاربرد آن در خوانش شعر» در *مجموعه مقالات سومین کنفرانس زبان‌شناسی*. به‌کوشش یحیی مدرس و محمد دبیرمقدم. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. صص ۶۹-۸۱.

— (۱۳۷۶ ب). به سوی زبان‌شناسی شعر، رهیافتی نقش‌گرا. تهران:

نشر مرکز.

- Āl-e Ahmad, Jalāl (2010). *Modir-e Madrese*. Ed. 12. Tehran: Ferdows. [in Persian]
- Āqā Golzādeh, Ferdows va Digaran (2011). "Sabkshenāsi-ye Dāstān bar Asās-e Fe'l: Rowykard-e Naqshgarā". *Faslnāme-ye Takhassosi-ye Sabkshenasi-ye Nazm va Nasr-e Farsi (Bahar-e Adab)*. Yr. 4. No. 11. Pp. 243- 254. [in Persian]
- Banks, D. (2003). "The Evolution of Grammatical Metaphor in Scientific Writing" in Simon-Vandenberg, Taverniers & Ravelli (Eds.). *Grammatical Metaphor: Views from Systemic Functional Linguistics*. (Current Issues in Linguistic Theory, 236). Amsterdam: Benjamins. Pp. 127- 147.
- Chāvoshi, Mahsā (2011). *Kārkard-e Este'āre-ye Dasturi dar Zabān-e 'Elm*. Master Thesis Linguistics. Allāmeḥ Tabātabā'i University. [in Persian]
- Dian, Y. (2011). "Enhancing Texts Written Language Characteristics through Grammatical Metaphor in Research Articles". *E-proceeding of International Online Language Conference*. Vol. 2. P. 258.
- Golestān, Ebrāhim (1978). *'Asrār-e Ganj-e Darre-ye Jenni*. Ed. 2. Tehran: Safā. [in Persian]
- Halliday, M.A.K. & Ch. Matthiessen (1999). *Construing Experience through Meaning: A Language-based Approach to Cognition*. London: Continuum.
- Halliday, M.A.K. & Ch. Matthiessen (2004). *An Introduction to Functional Grammar*. 3rd Ed. London: Edward Arnold Publishers Ltd.
- Halliday, M.A.K. & J. Martin (1993). *Writing Science: Literacy and Discursive Power*. Pittsburgh: University of Pittsburgh Press.
- Halliday, M.A.K. & R. Hasan (1976). *Cohesion in English*, Longman. London & New York: Longman.
- Halliday, M.A.K. (1985). *An Introduction to Functional Grammar*. 2nd Edition: 1994. London: Edward Arnold Publishers Ltd.
- Haq Shenās, Ali Mohammad (2003). *Zabān va Adab-e Fārsi dar Gozagāh-e Sonnat va Moderniteh*. Tehran: Āgah. [in Persian]
- Martin, J. & D. Rose (2007). *Working with Discourse: Meaning beyond the Clause*. London & New York: Continuum.
- Mobāraki Sājedeḥ (2012). *Este'āre-ye Dasturi dar Mutun-e 'Elmi va Adabi*. Master Thesis Linguistics. Semnān University. [in Persian]
- Mohājer Mehrān va Mohammad Nabavi (1997 Alef). "Az zabān tā She'r: Darāmadi bar Zabānshenāsi-ye Sāzgāni- Naqshgarā va Kārbord-e ān dar Khānesh-e She'r" in *Majmu'e Maqālāt-e Sevvomin Konferāns-e Zabānshenāsi*. Modarresi Yahyā va Mohammad-e Dabir Moqaddam.

- Allāmeḥ Tabātabā'i University Institute for Humanities and Cultural Studies. Pp. 69- 81. [in Persian]
- _____ (1997 Be). *Be suy-e Zabānshenāsi-ye She'r, Rahyāfti Naqshgarā*. Tehran: Markaz. [in Persian]
 - Pahlevān Nezhād, Mohammad Rezā va Azādeh Najafī (2009). "Erae-ye Farāyandhā-ye Vazhegāni be Kudakān-e Dabestāni va Barresi-ye Chegunegi-ye Ta'sir-e Ān dar Dark-e Mafāhim-e Āmuzeshi". *Majalle-ye Takhassosi-ye Zaban va Adabiyāt-e Daneshkade-ye Adabiyāt va 'ulum-e Enساني-ye Mashhad*. No. 4. Pp. 53- 80. [in Persian]
 - Safavi, Kurush (1998). "Pishnahādi dar Sabkshenāsi-ye Adab-e Fārsi". *Faslnāme-ye Zabān va Adab*. No. 6. Pp. 43- 56. [in Persian]
 - Simpson, P. (2004). *Stylistics: A Resource Book for Students*. London: Routledge.
 - Taverniers, M. (2003). "Grammatical Metaphor in SFL: A historiography of the Introduction and Initial Study of the Term" in Simon-Vandenberg, Taverniers & Ravelli (Eds.). *Grammatical Metaphor: Views from Systemic Functional Linguistics*. (Current Issues in Linguistic Theory, 236). Amsterdam: Benjamins. Pp. 5- 33.
 - Taverniers, M. (2004). "Grammatical Metaphors in English". *Moderna Språk*. 98 (1). Pp. 17- 26.